



## پیروزی چپ گریان

درباره انتخابات بریتانیا که با برد قاطع حزب کارگر و نخست‌وزیری کی‌یر استارمر همراه شد



## تندروی‌ها و بی‌برنامگی‌ها

مباحثه محمدهادی همایون و بشیر معتمدی

درباره آزادی بیان، حقوق شهروندان و تجربه نظام سیاسی



## نقدها را بود آیا که عیاری گیرند؟

نوشته‌ای از سیدرضا صانعی

درباره هفتمین جشن نوشتار سینمای ایران



## شکوفایی بیابان

عربستان بزرگترین سایت ساخت‌وساز شناخته‌شده جهان می‌شود

# ایران جدید

گزارش انتخابات ۲۰۳

## درباره انتخابات دیروز که دو گروه سرنوشت آن را رقم زدند

## آنهايي که آمدند

## و آنهايي که نیامدند

یادداشت سردبیر

## پیروز دیروز شماید...

چند جمله‌ای برای علیرضا رجایی و دیگرانی که از خود گذشتند



محمدجواد روح

حالا که این نوشته را می‌خوانید احتمالاً معلوم شده نام نهمین رئیس‌جمهور ایران کیست. مسعود پزشکیان یا سعید جلیلی. هرکدام باشد سرنوشت و آینده ایران رقم خورده است. اما من الان که عصر روز جمعه است دارم خطاب به برنده انتخابات می‌نویسم. برنده‌ای که نامش نه مسعود است، نه سعید. علیرضا است. برای علیرضا رجایی می‌نویسم که او را برنده واقعی این انتخابات می‌دانم. او برنده نبردی شد بزرگتر از هر انتخاباتی؛ آن هم بی‌نیاز از هیچ کمپینی، هیچ مشاوره‌ای، هیچ مناظره‌ای، هیچ سفری و هیچ توهین و تخریبی. نبردی که علیرضا رجایی در آن پیروز شد، نبرد با خویشستن بود. با نفس. همان که پیامبر اسلام آن را «جهاد اکبر» می‌خواند؛ همان نبردی که پیش از این، پیر جریان ملی-مذهبی، عزت‌الله سحابی، در دهه‌های هفتاد و هشتاد در آن پیروز شده بود و حال، علیرضا رجایی بار دیگر نشان داد شاگرد خلف و رهروی صادق راه اوست؛ نبردی که علیرضا رجایی در آن پیروز شد، حتی صعب‌تر از نبرد عزت‌الله سحابی بود. سحابی گرچه در دهه هفتاد و هشتاد حاضر شد پای صندوق رای برود و به چپ‌های خط امام رای دهد که اندک زمانی پیش او و همفکرانش را در دست‌بندی خویش «غیر خودی» خوانده بودند و حتی در دور دوم انتخابات ۱۳۸۴ به هاشمی‌رفسنجانی رای دهد که در زمان ریاست جمهوری‌اش به زندان افتاده بود و از این منظر، فداکاری و از خودگذشتگی و میهن‌دوستی‌اش را عیان کرده بود؛ اما به نظر، کار رجایی از سحابی هم دشوارتر بود. سحابی هرچه کرد، در چارچوب راهبردی بود که به آن باور داشت، او در دوم خرداد ۱۳۷۶ و ۲۷ خرداد و سوم‌تیر ۱۳۸۴ همچنان در پارادایم اصلاحات قرار داشت. نگاهش به صحنه سیاست این بود که برای حفظ ایران، باید در قالب همین ساختار موجود و همین جمهوری اسلامی عمل کرد؛ گرچه ما و طیف ما را به صحنه انتخابات راه ندهند و لاجرم، باید به نامزدهای نیابتی رای دهیم. چه خاتمی، چه معین و چه هاشمی.

رجایی اما در حالی دیروز رای خود را به صندوق انداخت که سال‌هاست از راهبرد اصلاحات مبتنی بر صندوق رای گذر کرده است. عبور او از انتخابات، حرف سال‌های اخیر هم نیست. او بعد از انتخابات ۱۳۸۸، صندوق رای را کنار گذاشت و از ضرورت راهبردهای رادیکال برای تغییرات جدی و ساختاری گفت. خاطر همست آبان ۱۳۹۴ که از زندان آزاد شد، شب به دیدارش رفتم. بیش از آنکه درباره خاطرات و فضای زندان بگویم، دغدغه روند تحولات را داشت. در آن روزها که اوج سال‌های قدرت و موفقیت دولت اول روحانی بود و بدنه جامعه و عموم نخبگان، بر ضرورت مشارکت انتخاباتی تأکید داشتند؛ رجایی با این راهبرد همراه نبود. سال ۱۳۹۲ هم در زندان، برخلاف بسیاری دیگر حاضر نشده بود به روحانی رای دهد. می‌گفت درون زندان دو بلوک شکل گرفته بود. یک بلوک اصلاح‌طلبان دوم خرداد که بهزاد نبوی، سیدمصطفی تاج‌زاده و محسن میردامادی از چهره‌های شاخص آن بودند و تأکید داشتند باید از فرصت روحانی سود جست و مسیری را که پس از ۱۳۸۸ به شکاف جدی سیاسی-اجتماعی منجر شده، تغییر داد و به راه اصلاح‌طلبانه پیش بازگشت.

سرمقاله

## انتخابات سه‌ضلعی

انتخابات عجیبی شده. بازتابی از وضعیت جامعه ایران. مواضع بسیاری از نیروها را طی یک ماه گذشته به هم ریخته است. چه در میان اصولگرایان حاکم، چه در میان اصلاح‌طلبان و چه در میان تحول‌خواهان و در نهایت میان مجموعه منتقدان و براندازان حکومت. از آن مهمتر وضعیت انتخابات است که دو نامزد رقیب موجود در انتخابات نگاه‌شان به ضلع سومی است که به‌رغم عدم حضور رسمی‌اش در انتخابات به‌صورت پرننگی حاضر است و نقش مهمی را ایفا می‌کند. ضلع سومی که وضعیت بغرنجی را برای حکومت ایجاد کرده است. از یک سو آمدن آنها موجب افزایش مشارکت و در عین حال پزشکیان خواهد شد. از سوی دیگر و به تبع این پیروزی، تندروهای حاکم را از پاستور بیرون خواهد کرد. ولی مهمتر از آن ترسی است که مخالفان و براندازان حکومت از مشارکت پیدا کرده‌اند زیرا جدا شدن بخش مهمی از تحریمی‌ها از فضای عدم مشارکت و پیوستن به کنش سیاسی انتخاباتی کار و کاسبی آنان را کساد می‌کند. لذا هر دو طرف تندروهای درون و بیرون نظام در این مورد به یکدیگر رسیده‌اند و این در حالی است که کلیت نظام و مقام رهبری به‌شدت از مشارکت استقبال می‌کنند و به درستی آن را نیاز عاجل نظام می‌دانند. مرحله دوم این انتخابات از این نظر که بخش قابل توجهی از تحریم‌های دور اول را به میدان آورده پیام بسیار روشنی دارد. اینکه مردم در پی بهبود امور خود هستند مشروط بر اینکه راه بر آنان باز شود. بتوانند انتخابی معنادار انجام دهند نه مثل ۱۴۰۰ که پیشاپیش نتیجه روشن باشد. مردم خواهان اصلاح امور هستند و این بزرگترین فرصت برای حکومت است. این راه کم‌هزینه‌ترین گزینه سیاسی است. موجب ماندگاری ارزش‌ها و سنت‌های جامعه در کنار نوآوری و تحولات فرهنگی و وحدت ملی خواهد شد. این انتخابات نشان داد که نامزد اصولگرایان کمتر از هر کس دیگری در پی افزایش مشارکت عمومی و تقویت بنای سیاسی حکومت است. همین یک نشانه برای نادرست بودن رویکردها و عملکردهای آنها کفایت می‌کند. اقداماتی که در طول روز جمعه و پیش از آن انجام شد تا نامزد آنان رای آورد در شأن جامعه ایران نیست. نظرسنجی‌ها به روشنی نتایج را پیش‌بینی کرده‌اند و تفاوت‌ها هم پیش از آن است که در نتیجه خللی وارد شود. کوشش همه ما باید معطوف به افزایش مشارکت می‌شد. این بازی برد-برد برای کشور بود و هست. زیرا نامزدی که بر اثر افزایش مشارکت انتخاب شود می‌تواند با حمایت بیشتر مردم مشکلات را حل کند. اثرات این انتخابات در عرصه سیاسی ایران بسیار گسترده خواهد بود. همه صف‌بندی‌ها را تغییر خواهد داد. جامعه ایران با زایشی جدید مواجه خواهد شد. راه بسیار سختی در پیش است ولی راهی است که باید برویم چون ماندن در این وضع خطرناکتر بود، و افقی را پیش روی ملت نمی‌گشود. ما به‌عنوان ناظر اوضاع سیاسی به این انتخابات و اثرات مفید آن بسیار امیدواریم. امید مهم‌ترین نیاز امروز جامعه ایران است. این انتخابات توانسته است آن را زنده و روشن کند باید کوشید که شعله‌های آن رو به خاموشی نرود که در این صورت بعید می‌دانیم که دیگر امکان روشن شدن آن در قالب کوشش برای بهبود و اصلاح فراهم شود.

گزارش جامعه ۱۲-۱۳

## دو جمعه کمی متفاوت

گزارش میدانی خبرنگاران هم‌میهن از دور دوم انتخابات ریاست جمهوری که کمی پرشورتر بود